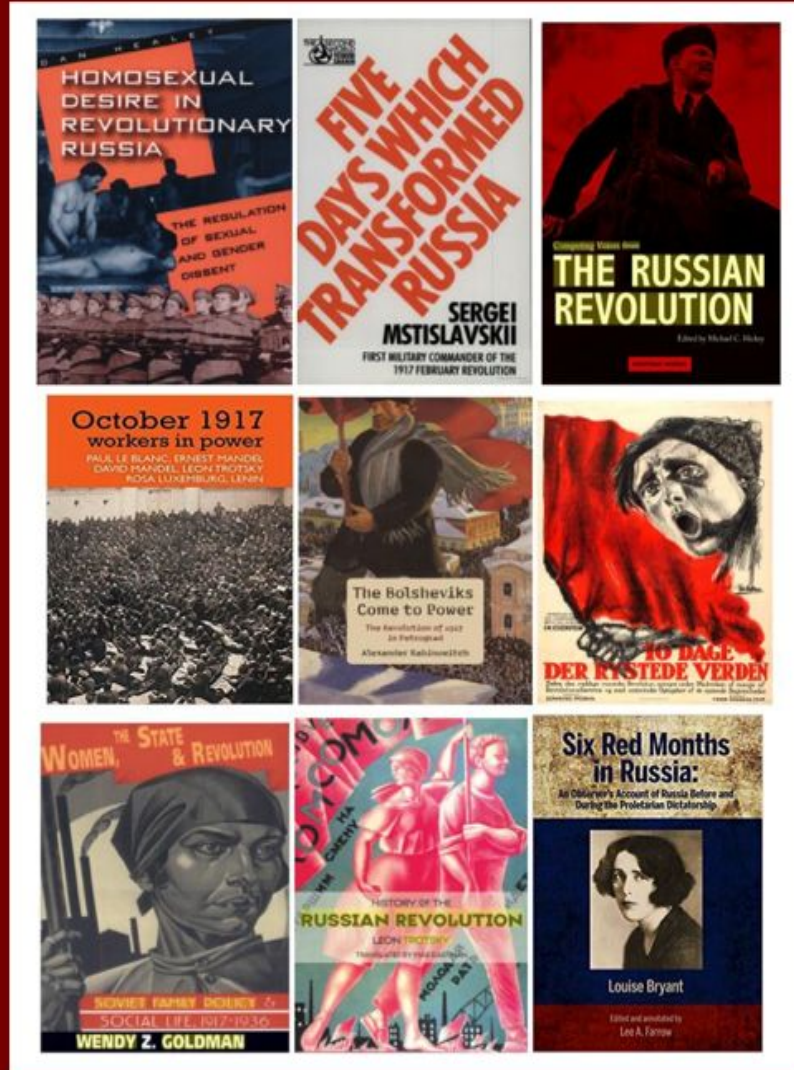


انقلاب روسیه

یک راهنمای مطالعاتی مختصر



فیل گسپر

برگردان: بهنام داراییزاده

اکتبر ۲۰۱۸

انقلاب روسیه: راهنمای مطالعاتی مختصر

فیل گسپر

بهنام دارایی‌زاده

- ترجمه‌ی این متن را تقدیم می‌کنم به اسماعیل بخشی، فعال کارگری، که به خاطر ایستادگی برای تشکیل شورای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه زیر فشار بود و در نهایت بازداشت و شکنجه شد.

ب.د

«انقلاب اکتبر» ۱۹۱۷ روسیه، به رهبری حزب بلشویک ولادیمیر لنین را می‌توان مهم‌ترین رخداد در تاریخ سوسیالیست‌های انقلابی جهان دانست. از یک سو، برای نخستین بار، انقلابی به رهبری طبقه‌ی کارگر موفق شد که قدرت را در تمامی قلمرو یک کشور به دست بگیرد؛ و از سوی دیگر، کوششی بود برای ساختن جامعه‌ای سوسیالیستی بر اساس ایده‌هایی نظیر «نظارت و کنترل کارگران» و «دموکراسی واقعی». برای دوره‌ای کوتاه و پیش از نابودی این تجربه در پی «جنگ داخلی»، «دخالتهای خارجی» و «فروپاشی اقتصادی»، و از همه مهم‌تر «ناکامی در گسترش انقلاب به کشورهای توسعه‌یافته‌ی اقتصادی»، این جامعه فقط گوشه‌ی کوچکی بود از آنچه جامعه سوسیالیستی ترسیم می‌کرد. اما این تجربه، قبل از آن که دهه‌ی ۱۹۲۰ پایان گیرد؛ به تحکیم نوعی دیکتاتوری دیوان‌سالار در «شوروی» نوا انجامید. یک دهه بعد نیز تمامی آن دستاوردهای تحسین‌برانگیز نخستین و همه آن رویاها، رویاهایی که اساس انقلاب را شکل داده بود، فرو ریخت و از میان رفت.

بهرغم شکست نهایی «انقلاب اکتبر»، و شاید هم به دلیل همین تجربه‌ی شکست، تمایل به مطالعه‌ی «انقلاب اکتبر»، به مثابه رخدادی محوری، در میان تمامی سوسیالیست‌های جهان باقی مانده است. مسائلی همچون «چگونگی شکل‌گیری انقلاب»، «موفقیت‌های چشمگیر اولیه‌اش» و «چرایی شکست نهایی آن»، آموزه‌های مهمی هست که باید در آن‌ها تأمل کرد. یک صد سال پس از «انقلاب اکتبر»، آثار و پژوهش‌های شگفتی درباره این موضوع‌ها انجام شده است. با این حال، هدف از این «بررسی» بسیار مختصر، صرفاً ارائه چند نوشته برای مطالعه بیشتر درباره‌ی «انقلاب اکتبر» و مشخصاً برای آن دسته از خوانندگانی است که شناخت یا آشنایی چندانی با موضوع ندارند.

برای خوانندگانی که تا کنون مطالعه‌ای درباره‌ی «انقلاب اکتبر» نداشته‌اند؛ نوشته‌ی احمد شوقی^۱ که بیست سال پیش با عنوان «۱۰ سال پس از انقلاب روسیه»^۲ در مجله *International Socialist Review* منتشر شد؛ شروع بسیار خوبی است. این مقاله مسیر انقلاب روسیه را از ریشه‌های آن در قرن نوزدهم، شکست انقلاب ۱۹۰۵، جنگ جهانی اول، «انقلاب فوریه» و سقوط تزار را تا در نهایت پیروزی انقلاب اکتبر و قدرت‌گیری بلشویک‌ها پی می‌گیرد. برای

^۱ Ahmed Chawki

^۲ [80 Years Since the Russian Revolution](#)

خواندگانی هم که مایلند بحث مفصل‌تری را از این دوره‌ی تاریخی دنبال کنند؛ اما کماکان می‌خواهند که مطالعه‌ی سریع و کوتاهی داشته باشند؛ دو فصل نخست از کتاب تازه منتشرشده‌ی «نیل فولکنر»³ با عنوان «تاریخ مردمی انقلاب روسیه»⁴ (ژانویه ۲۰۱۷) بسیار مفید خواهد بود.

کتاب دیگری که به‌تازگی منتشر شده و توصیه می‌شود؛ «اکتبر ۱۹۱۷، کارگران در قدرت»⁵، نوشته «پل لوبلان»⁶، «ارنست مندل»⁷ و «دیوید مندل»⁸ است (نوامبر ۲۰۱۶). هرچند این کتاب را نمی‌توان یک تاریخ روایی از کل انقلاب روسیه به شمار آورد؛ اما دربرگیرنده‌ی روزشمار و مرور کوتاهی از رخداد‌های آن دوران است. علاوه بر این، مجموعه‌ای از فهرست اصطلاح‌ها یا واژه‌نامه‌ای هم از شخصیت‌ها، مکان‌ها، رخدادها و سازمان‌های فعال در آن دوره معرفی می‌کند که بسیار کارآمد خواهد بود. در واقع این کتاب، مجموعه‌ای است که برخی از مهم‌ترین مسائل آن دوران را ارزیابی می‌کند. از جمله موضوع‌هایی که در این کتاب بحث می‌شود، بررسی این پرسش است که آیا کسب قدرت در روسیه، کودتا بوده یا چیزی بیش از آن؟ همچنین به نقش کمیته‌های کارگری کارخانه‌ها در جریان انقلاب نیز اشاره شده است. در این مجموعه، نوشته‌های رزا لوکزامبورگ، انقلابی لهستانی-آلمانی نیز آمده است که معمولاً به خطا به‌عنوان مخالف «انقلاب اکتبر»، معرفی می‌شود. در حالی که لوکزامبورگ را باید «حامی منتقد» لنین و تروتسکی به شمار آورد.

«صدا‌های رقیب از انقلاب روسیه»⁹، نوشته‌ی «مایکل سی‌هایکی»¹⁰ (چاپ اول: دسامبر ۲۰۱۰) نیز مجموعه‌ای جالب‌توجه از اسناد اصلی انقلاب، به انضمام موضوع‌گیری‌های بسیاری از شخصیت‌های درگیر و افرادی است که هر یک به‌نوعی پی‌گیر این رخداد بوده‌اند؛ از مقام‌های دولتی و رهبران احزاب سیاسی گرفته تا مردان و زنان عادی که در پشت صحنه حضور داشته‌اند و در کارخانه‌ها یا دفاتر اداری و ارتش کار می‌کرده‌اند. برای «درک تصویری انقلاب روسیه»، می‌توان به چند مجموعه عکسی مراجعه کرد که از سوی «دیوید کینگ»¹¹ گردآوری شده‌اند؛ دو مجموعه با نام‌های «ستاره سرخ بر فراز روسیه، تاریخ تصویری اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۱۷ تا مرگ استالین»¹² و نیز مجموعه عکس دیگری با عنوان «تروتسکی، یک بیوگرافی تصویری»¹³ (چاپ اول: نوامبر ۱۹۸۶).

³ Neil Faulkner

⁴ [A People's History of the Russian Revolution](#)

⁵ [October 1917: Workers in Power](#)

⁶ Paul Le Blanc

⁷ Ernest Mandel

⁸ David Mandel

⁹ [Competing Voices from the Russian Revolution](#)

¹⁰ Michael C. Hickey

¹¹ David King

¹² [Red Star over Russia: A Visual History of the Soviet Union from the Revolution to the Death of Stalin](#)

¹³ [Trotsky: A Photographic Biography](#)

بی‌ترید اما مهم‌ترین اثر درباره‌ی «انقلاب اکتبر»، کتاب تروتسکی با عنوان «تاریخ انقلاب روسیه»¹⁴ است. این کتاب در سال ۱۹۳۰ نوشته شد و برای نخستین بار در ۱۹۳۲ به انگلیسی برگردانده شد. اما در واقع، روایت تروتسکی از انقلاب روسیه، تأییدی است بر این سخن که «انقلاب اکتبر»، بزرگ‌ترین و یگانه‌ترین کار در تاریخ مارکسیستی جهان است. کتاب تروتسکی در اصل در سه جلد و بیش از ۹۰۰ صفحه منتشر شده است. بنابراین مطالعه‌اش کار چندان ساده‌ای نیست و تلاشی جدی می‌خواهد. با این حال، به نظر می‌رسد که هر سوسیالیستی، بنا به هر ملاحظه‌ای که دارد باید روزی-وقت بگذارد و این کتاب بخواند. تروتسکی یک نویسنده صاحب‌سبک بی‌نظیر بود. این اثر به‌رغم آن که حالا دیگر می‌دانیم نتیجه‌ی این انقلاب چه شده است؛ همچنان کشش زیادی دارد و بسیار گیرا است. واقعیت این است که در میان آثار تاریخی، کتاب‌های کم‌شماری را می‌توان با آن مقایسه کرد. تروتسکی و لنین، از چهره‌های برجسته و رهبر رخدادهایی هستند که در نهایت به «انقلاب اکتبر» منجر شد. هر چند تروتسکی در مقدمه‌ی کتابش تصریح می‌کند که این اثر به هیچ وجه و در هیچ سطحی بر پایه‌ی بازخوانی خاطرات شخصی او گردآوری نشده و مبتنی بر مستندات تاریخی تأیید شده است؛ اما پنهان نمی‌توان کرد که تروتسکی آگاهی‌ها و برداشت‌های شخصی‌اش را در روایت از «انقلاب اکتبر» وارد کرده است. اما با وجود این، تروتسکی در این کتاب موفق می‌شود که درک عمیق نظری خود را با توانایی پیوند زدن رخداد‌های مختلف در هم بیامیزد. گستره‌ای که از تغییرات تاریخی در امدت تا تکاپوهای کوچک اعتراض‌های خیابانی را نیز در بر می‌گیرد. نمونه‌ای از این روایت را می‌توان در شرح و توصیفی که او از تظاهرات ۲۴ فوریه (نهم مارس در تقویم فعلی)، در دومین روز قیامی که به سقوط تزار انجامید؛ ملاحظه کرد:

کارگران «اریکسون»¹⁵، یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های منطقه ویبورگ¹⁶، بعد از جلسه‌ای که صبح همان روز داشتند در سامپونیسکی¹⁷ گرد آمدند. جمعیت به ۲۵۰۰ نفر می‌رسید؛ در باریکراهی کارگران با نیروهای قزاق مواجه شدند. ابتدا افسران قزاق با سینه‌های اسب‌هایشان به دل جمعیت کارگران می‌تاختند و راه خود را باز می‌کردند؛ به دنبال آن‌ها سواران قزاق‌ها نیز که پهنه‌ی منطقه را در برگرفته بودند چهارنعل به پیش تاختند. لحظه‌ای سرنوشت‌ساز بود. سواران از دلانی طولانی که افسران ساخته بودند با احتیاط عبور می‌کردند. کاخاروف¹⁸، یکی از رهبران بلشویک‌های منطقه‌ی ویبورگ، تعریف می‌کند که در آن هنگام، برخی از قزاق‌ها لبخند می‌زدند. حتی یکی از آن‌ها چشمکی دوستانه هم به کارگران می‌زد. این «چشمک» بی‌معنا نبود. کارگران اطمینان و قوت‌قلب گرفتند و به هیجان درآمدند. این احساس‌ها تا اندازه‌ای به سواران قزاق نیز سرایت کرد و آن‌ها را هم تحت‌تأثیر قرار داد. پس از آن به‌تدریج سایر قزاق‌ها نیز به یکدیگر چشمک زدند. به‌رغم تلاش دوباره‌ی افسرها، قزاق‌ها بی‌اختیار از فرمان نظامی تمرد کردند و دون آن‌که

¹⁴ [History of the Russian Revolution](#)

¹⁵ Erikson

¹⁶ Vyborg

¹⁷ Sampsonievsky

¹⁸ Benyamin Nikolayevich Kayurov (1876 – 1936)

جمعیت کارگران را متفرق کنند، فقط همانند رودی از میان آن‌ها گذشتند. این داستان، سه یا چهار بار تکرار شد و به این ترتیب دو طرف ماجرا به یکدیگر نزدیکتر شدند. بعد از آن، قزاق‌ها هر یک به پرسش‌های کارگران پاسخ می‌دادند. حتی برخی از آن‌ها با کارگران گفت‌وگو می‌کردند. از اصول و ضوابط نظامی، تنها پوسته‌ای نازک باقی مانده بود که هر لحظه ممکن بود پاره شود و به کل از بین برود.

افزون بر این، کتاب تروتسکی، پیوسته ماهیت یا چیستی «تحول تاریخی» را نشان می‌دهد. این‌که چگونه «شرایط تاریخی»، وضعیت افراد را شکل می‌دهد؛ چگونه ممکن است در پی انباشت یا کنار هم قرار گرفتن نوسان‌هایی کوچک در بطن جامعه، رخدادها و گسست‌های بزرگ تاریخی رخ دهد و در نهایت چگونه در مقاطع دشوار و سرنوشت‌ساز، هم عاملیت و کنش جمعی و هم گزینش‌های شخصی، می‌توانند نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند. در این اثر، تروتسکی مسئله عقب‌ماندگی‌های اقتصادی روسیه را نیز بررسی کرده است و مختصات و توسعه‌ی ناهمگون کشور را از منظر ورود فن‌آوری و سرمایه از «غرب» توضیح می‌دهد. تأثیر «جنگ جهانی اول»، «انقلاب فوریه»، «فروپاشی تزارسیم»، «رقابت بر سر قدرت میان دولت موقت و شوراهای کارگری» و در نهایت، چیرمگی شوراهای کارگری در ماه اکتبر؛ از دیگر موضوع‌هایی است که تروتسکی در این کتاب ارزیابی می‌کند. اما در این کتاب، خیلی بر انقلاب شکست‌خورده ۱۹۰۵ متمرکز نمی‌شود؛ چرا که آن را پیش‌تر در کتاب قبلی‌اش (۱۹۰۵) بررسی کرده بود. تروتسکی آن کتاب را کمی بعد از آن‌که لنین، انقلاب ۱۹۰۵ را «واپسین تمرین» برای «انقلاب اکتبر» خوانده بود منتشر کرد؛ در هنگامه‌ای که دیگر کار آن انقلاب پایان گرفته بود.

روایت شاهدان عینی

روایت‌های پُرشماری از شاهدان عینی «انقلاب اکتبر» در دست است؛ اما برجسته‌ترین آن‌ها را باید کتاب «جان رید»¹⁹، روزنامه‌نگار رادیکال آمریکایی و فعال سوسیالیست دانست. کتاب رید با عنوان «ده روزی که جهان را لرزاند»²⁰ اولین بار در ۱۹۱۹ منتشر شد. در جریان انقلاب، جان رید در پتروگراد حضور داشت و گزارش‌هایی زنده و لحظه به لحظه‌ای از وقایع در روزهای پیش و پس از به دست گرفتن قدرت، تهیه کرده است. استالین دل‌خوشی از این کتاب نداشت؛ چرا که در آن به‌ندرت از او یاد شده بود. جان رید، به درستی، چهره‌های اصلی انقلاب و رهبری آن را لنین و تروتسکی معرفی کرده است. خود لنین مقدمه‌ی کوتاهی نیز برای این کتاب نوشته و مطالعه‌ی آن را به تمامی کارگران جهان توصیه کرده است. لنین در مقدمه، کتاب رید را به سبب شرح روایتی صادقانه و زنده از مهم‌ترین رخدادهای انقلاب ستوده است.

¹⁹John Reed (1887 –1920)

²⁰ [Ten Days that Shook the World](#)

«شش ماه سرخ در روسیه»²¹، نوشته‌ی «لوئیس بریانت»²²، روزنامه‌نگار آمریکایی، یکی دیگر از مجموعه نوشته‌های «شاهدان عینی انقلاب» است. در زمان انتشار کتاب، بریانت همسر جان رید بود و با او همکاری می‌کرد. کتاب بریانت، اکتبر ۱۹۱۸، چند ماه پیش از چاپ کتاب رید منتشر شد. دلیل این تأخیر این بود که نوشته‌های رید، هنگام بازگشت به ایالات متحده، برای مدتی از سوی مقامات آمریکایی توقیف شدند. بریانت در کتابش با زنان پیشروی انقلابی روسیه در آن زمان گفت‌وگو کرده است، از جمله «ماریا اسپیریونووا»²³، عضو تشکیلات «سوسیالیست‌های انقلابی چپ»²⁴ و نیز «الکساندرا کولونتای»²⁵ بلشویک و تنها زن عضو کابینه‌ی لنین.

«سرژی متیسلاوسکی»²⁶، یکی از اعضای «انقلابی‌های سوسیالیست چپ» بود که نقش فعالی نیز در جریان «انقلاب فوریه» و نیز اکتبر داشت. او نیز روایت‌های خود را از «انقلاب اکتبر» گردآوری کرده است که در ۱۹۱۸ با نام «پنج روزی که روسیه را متحول کرد»²⁷ به انگلیسی منتشر شد. در «پنج روز» (که «روز» اولش در واقع سه شبانه‌روز است)، نویسنده روی پنج روی‌داد متمرکز می‌شود: خیزش فوریه (۲۷ فوریه تا اول مارس)، تشکیل دولت موقت (سوم مارس)، دستگیری نیکلاس دوم، تزار روسیه، (نهم مارس)، روز پیروزی انقلاب (۲۵ اکتبر)، که خود نویسنده نیز شخصاً در آن‌ها شرکت داشت؛ و در نهایت روز تشکیل مجلس موسسان (پنج ژانویه ۱۹۱۸).

کتاب دیگری از مجموعه شاهدان عینی، نوشته‌ی «مورگان فیلیپس»²⁸ بریتانیایی است. فیلیپس متعلق به خانواده‌ای به اصطلاح از «طبقه بالا» بود؛ اما به سبب مخالفتش با جنگ جهانی اول، گرایشی «چپ» پیدا کرده بود و «خبرنگار جنگ» شده بود. وی در دوران قبل از «انقلاب اکتبر»، در جریان آن و البته بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، در ۲۵ اکتبر، در روسیه حضور داشت. مورگان به لحاظ احساسی و نظری خیلی زود به بلشویک‌ها نزدیک شد. به همین دلیل هم گزارش‌هایی که آن هنگام برای «منچستر گاردین»²⁹ می‌نوشت، در بیشتر مواقع یا به شدت سانسور می‌شدند یا کاملاً کنار گذاشته می‌شدند. مورگان فیلیپس، بعدها از جناح چپ «حزب کارگر» نماینده پارلمان بریتانیا شد. مدت‌ها بعد از مرگ فیلیپس در ۱۹۷۳، سرانجام مجموعه‌ای از گزارش‌های دست اول او با نام «یادداشت‌های مخابره‌شده از انقلاب؛ روسیه ۱۹۱۸-۱۹۱۶» منتشر شد. مورگان در زمان حضور در روسیه سفرهای فراوانی به نقاط مختلف این کشور می‌کرد. از این روی، یادداشت‌های او راهنمای خوبی است تا بدانیم در آن مقطع، در خارج از پتروگراد و مسکو چه رخ داده است. مورگان رساله‌ی کوتاهی نیز با نام «اروپای

²¹ [Six Red Months in Russia](#)

²² Louise Bryant (1885-1936)

²³ Maria Spiridonova(1884-1941)

²⁴ *Left Socialist Revolutionists*

²⁵ Alexandra Kollontai (1872-1952)

²⁶ Sergey Mstislavsky(1876-1943)

²⁷ [Five Days Which Transformed Russia](#)

²⁸ Morgan Philips(1902 –1963)

²⁹ *Manchester Guardian*

سرمایه‌دار و روسیه‌ی سوسیالیست»³⁰ دارد که در سال ۱۹۱۹ توسط «حزب سوسیالیست بریتانیا» چاپ شد. نسخه‌ی آنلاین این رساله، هم‌اکنون در بخش آرشیو وبسایت marxists.org در دسترس است.

اثر دیگری از همین مجموعه روایت‌های دست اول انقلاب، کتابی است با نام «انقلاب ۱۹۱۷ روسیه؛ یک برداشت شخصی»³¹ نوشته‌ی «ساخانوف»³². ساخانوف، عضو «منشویک‌های انترناسیونال»³³ و نیز از مؤسسان «کمیت‌های اجرایی شورای پتروگراد»³⁴ بود. بسیاری از تاریخ‌پژوهایی که این دوره‌ی زمانی را بررسی کرده‌اند؛ از جمله تروتسکی، از کتاب ساخانوف به عنوان منبع کار استفاده کرده‌اند.

لنین و بلشویک‌ها

سوسیالیست‌ها باید نقش محوری بلشویک‌ها را در جریان «انقلاب اکتبر»، به‌دقت بازبینی کنند. از این منظر، جلد دوم زندگی‌نامه‌ی لنین، نوشته‌ی «تونی کلیف»³⁵، با عنوان «تمامی قدرت در دست شورا، لنین ۱۹۱۷-۱۹۱۴»³⁶ یک بررسی اجمالی اما خواندنی محسوب می‌شود. گرچه زمانی که «انقلاب فوریه» آغاز شد، مبارزان بلشویک، نقش مهمی در سطح محلی ایفا می‌کردند؛ اما باز هم این رخداد برای تمامی احزاب فعال در آن زمان، پیش‌بینی نشده و غافل‌گیرکننده بود. ظرف مدت کوتاهی پس از «انقلاب فوریه»، رهبران بلشویک همانند لئو کامنوف و استالین به پتروگراد بازگشتند؛ اما خط و مشی روشنی در دست نبود و از «دولت موقت» هم، هرچند انتقادی، اما در نهایت حمایت و پشتیبانی می‌شد. تنها پس از بازگشت لنین در ماه آوریل بود که شعار «تمامی قدرت به دست شوراها»، به غریب و فریاد اصلی در حمایت از بلشویک‌ها تبدیل شد.

هرچند بی هیچ بحثی، لنین رهبر بلشویک‌ها محسوب می‌شد؛ اما با این حال، باز هم خیلی بعید به نظر می‌آید که لنین بخواهد برنامه‌ها یا سیاست‌های شخصی‌اش را به سایر اعضای حزب تحمیل کند. درباره‌ی تعیین دستورکار هم پیش از انقلاب و هم بعد از آن، بحث‌های تندی درون خود حزب در جریان بود و اساساً هرگز روال بر این نبود که مثلاً همیشه حرف لنین به کرسی بنشیند. «الکساندر رابینوویچ»³⁷ در کتاب خود با عنوان «بلشویک‌ها به قدرت می‌رسند؛ انقلاب ۱۹۱۷ در پتروگراد»³⁸، تصویر و روایتی چشمگیر از ماه‌های منتهی به پیروزی «انقلاب اکتبر»، ارائه می‌کند. او در کتابش نشان می‌دهد که بلشویک‌ها، به هیچ وجه جریانی یک‌دست و یک‌پارچه نبوده‌اند.

³⁰ [Capitalist Europe and Socialist Russia](#)

³¹ [The Russian Revolution 1917: A Personal Record](#)

³² Nikolai Sukhanov (1882-1940)

³³ Mensheviks-Internationalists

³⁴ Executive Committee of the Petrograd Soviet

³⁵ Tony Cliff (1917-2000)

³⁶ [All Power to the Soviets: Lenin 1914-1917](#)

³⁷ Alexander Rabinowitch

³⁸ [The Bolsheviks come to power](#)

اختلاف نظر و جدل‌های درون‌حزبی، جزئی محوری از فرایند تصمیم‌گیری و روش کاری بلشویک‌ها بوده است. به نظر می‌رسد که کتاب رابینوویچ، دقیق‌ترین جزئیات را از نقش بلشویک‌ها (از رده‌های بالایی حزب تا پایین‌ترین رده)، در ماه‌های منتهی به «انقلاب اکتبر» ترسیم کرده است.

تروتسکی کتاب مختصری دارد با نام «درس‌های اکتبر»³⁹ که خواندن آن ضروری است؛ این کتاب که در ۱۹۲۴ و کمی بعد از مرگ لنین نوشته شده، در واقع بخشی از بحث‌های سیاسی علیه جمع سه‌نفره‌ی استالین، زینوویف و کامنوف است. شخصیت‌هایی که در آن هنگام، رهبران حزب کمونیست شوروی بودند. (بلشویک‌ها در ۱۹۱۸ نام حزب را عوض کردند). کتاب تروتسکی، در واقع علیه تلاش‌های این گروه سه‌نفره است که می‌کوشیدند خود را حافظان سنت تخطی‌ناپذیر «لنینیسم» جا بزنند. تروتسکی در این کتاب با هدف نشان دادن اشتباه‌های رهبران بلشویک و مشخصاً این جمع سه‌نفره، درس‌های حقیقی «انقلاب اکتبر» را تحلیل می‌کند. او می‌نویسد: «روند حوادث نشان داده است که بدون وجود حزبی که قادر باشد هدایت یک انقلاب پرولتری را در دست گیرد؛ خود «انقلاب» هم ناممکن می‌شود.» با این همه، تروتسکی اذعان دارد که در یک شرایط انقلابی، قاعده تقریباً خدشه‌ناپذیری حاکم است؛ بر این اساس، یک حزب سیاسی در دوره‌ی گذار از «فعالیت‌های انقلابی ابتدایی» به دوران «رقابت بر سر قدرت»، دچار بحران می‌شود، بحرانی که نمی‌توان از آن اجتناب کرد.

یادداشت‌های لنین از زمان بازگشت به روسیه تا ژوئیه ۱۹۱۸ در مجلدهای ۲۴ تا ۲۷ «مجموع آثار»⁴⁰ او آمده است که می‌توان نکات قابل‌توجهی در آن‌ها یافت. اما عمده آثار اصلی لنین عبارتند از: «تذرات آوریل»⁴¹، «وظایف پرولتاریا در انقلاب ما»⁴²، «جنگ و انقلاب»⁴³، «بلشویک‌ها باید قدرت را در دست گیرند»⁴⁴، «آیا بلشویک‌ها می‌توانند قدرت دولت را حفظ کنند؟»⁴⁵، «وظایف فوری دولت شورا»⁴⁶، «چپ‌روی کودکانه و ذهنیت خرده بورژوا»⁴⁷، «تذراتی برای موقعیت سیاسی کنونی»⁴⁸.

علاوه بر این‌ها می‌توان به دو کتاب مهم دیگر نیز اشاره کرد که عملکرد سیاسی لنین و تاریخ بلشویک‌ها را بررسی می‌کند: کتاب «لنین و حزب انقلابی»⁴⁹ (چاپ اول: ۱۹۹۰) اثر «پُل لبلانش»⁵⁰ و دیگری کتابی با نام «لنینیسم از

³⁹ [The Lessons of October](#)

⁴⁰ [Lenin Collected Works](#)

⁴¹ [The April Theses](#)

⁴² [The Tasks of the Proletariat in our Revolution](#)

⁴³ [War and Revolution](#)

⁴⁴ [The Bolsheviks Must Assume Power](#)

⁴⁵ [Can the Bolsheviks Retain State Power?](#)

⁴⁶ [The Immediate Tasks of the Soviet Government](#)

⁴⁷ [Left-Wing Childishness and the Petty-Bourgeois Mentality](#)

⁴⁸ [Theses On The Present Political Situation](#)

⁴⁹ [Lenin and the Revolutionary Party](#)

⁵⁰ Paul Le Blanc

دریچه لنین»⁵¹ (۱۹۷۵) نوشته «مارسل لیمن»⁵². در این دو کتاب چندین فصل به نقش «حزب» در جریان «انقلاب اکتبر» اختصاص یافته است. برای آن دسته از خوانندگانی که شک دارند یا هنوز برایشان سؤال است که چگونه این تاریخ، به وضعیت و شرایط امروز ما مرتبط است؛ خواندن «لنینیسم بی‌پایان، ظهور و بازگشت دکترین انقلاب»⁵³ (چاپ اول: ۲۰۱۴)، نوشته پُل لبلانش توصیه می‌شود.

طبقه‌ی کارگر و انقلاب از پایین

تاریخ‌پژوهان معاصر، بر نقش فعال کارگران در جریان «انقلاب اکتبر»؛ مطالعات چشم‌گیری ارائه داده‌اند. «استیو اسمیت»⁵⁴ در کتاب خود با نام «پتروگراد سرخ: انقلاب در کارخانه‌ها، ۱۹۱۸-۱۹۱۷»⁵⁵ تلاش‌های کارگران را برای دست گرفتن کنترل کارخانه‌ها در فاصله‌ی زمانی «انقلاب فوریه» تا نیمه‌های سال ۱۹۱۸، بررسی می‌کند. در همین زمینه، دو جلد از آثار دیوید مندل⁵⁶ نیز مهم‌اند؛ «کارگران پتروگراد و سقوط رژیم سابق: از انقلاب فوریه تا روزهای ژوئیه ۱۹۱۷»⁵⁷ (چاپ اول: ۱۹۸۳) و دیگری، «کارگران پتروگراد و تصاحب قدرت شور: از ۱۹۱۷ تا ژوئیه ۱۹۱۸»⁵⁸ (چاپ اول: ۱۹۸۴). این سه کتاب، معرف بحث‌های درونی و نیز ابتکار عمل طبقه‌ی کارگر پتروگراد در جریان انقلاب است.

پژوهش اسمیت در رساله‌ای با عنوان «پتروگراد در ۱۹۱۷، از منظر پایین»⁵⁹ نیز خلاصه شده است. نسخه‌ای دیگر از این اثر که «دانیل اچ کیسر»⁶⁰، آن را ویرایش کرده، علاوه بر مباحث یادشده، شامل مقالاتی نیز درباره‌ی وضعیت کارگران مسکو می‌شود. در واقع، پژوهش اسمیت، پاسخی قاطع است به این افسانه‌سرایی که بلشویک‌ها برای آن که بتوانند حمایت طبقه‌ی کارگر را جلب کنند؛ به هر دروغ و فریبی روی آورده‌اند. به باور اسمیت:

«شور و هیجان و تشکیلات سازمانی بلشویک‌ها نقشی محوری در رادیکال شدن توده‌ها داشت. با این حال، این بلشویک‌ها نبودند که نارضاایتی‌های عمومی یا احساس انقلابی را در جامعه ایجاد کردند. بلکه این وضعیت برآمده از تجربه‌ی خود توده‌ها بود؛ تجربه‌ی آنان از تحولات پیچیده‌ی اقتصادی و اجتماعی و نیز رخداد‌های سیاسی. در واقع، مشارکت بلشویک‌ها بیشتر حول شکل دادن به درک کارگران بود. درک کارگران از پویایی‌های (دینامیسم) اجتماعی یک انقلاب و نیز افزایش آگاهی آنان از این که چگونه نیازهای اساسی و فوری زندگی روزمره، با نظم اجتماعی و سیاسی بازتر مربوط است. دلیل حمایت از بلشویک‌ها این بود که تجزیه و تحلیل‌ها

⁵¹ [Leninism Under Lenin](#)

⁵² Marcel Liebman (1929-1986)

⁵³ [Unfinished Leninism: The Rise and Return of a Revolutionary Doctrine](#)

⁵⁴ Steve A. Smith

⁵⁵ [Red Petrograd: Revolution in the Factories 1917-18](#)

⁵⁶ David Mandel

⁵⁷ [The Petrograd Workers and the Fall of the Old Régime: From the February Revolution to the July Days, 1917](#)

⁵⁸ [The Petrograd Workers and the Soviet Seizure of Power: From the July Days 1917 to July 1918](#)

⁵⁹ [Petrograd in 1917: The View From Below](#)

⁶⁰ Daniel H Kaiser

و راحل‌هایی که ارائه می‌دادند، منطقی به نظر می‌رسید. در سپتامبر ۱۹۱۷ یکی از کارگران صنایع نظامی «اورودینی»، در جایی که بلشویک‌ها حتی اجازه‌ی صحبت کردن هم نداشتند، گفته بود: «بلشویک‌ها همواره می‌گویند این ما نیستیم که شما را متقاعد خواهیم کرد؛ بلکه این زندگی است که شما را قانع خواهد کرد.» اکنون بلشویک‌ها پیروز شده‌اند. چرا که گذر زندگی ثابت کرد که چه روش‌های درست بوده است.»

در ادامه برای مطالعه‌ی نقش برجسته زنان در جریان انقلاب روسیه، کتاب «ماماهای انقلاب: زنان بلشویک و کارگران زن در ۱۹۱۷»⁶¹، نوشته‌ی «جین مک‌درمید»⁶² و «آنا هیلیار»⁶³ (چاپ اول: ۱۹۹۹)، بسیار راهگشاست. این کتاب سه موضوع اصلی را بررسی می‌کند: جایگاه زنان پیش از انقلاب روسیه، فعالیت‌های زنان پیشگام انقلاب، مانند نادژدا کروپسکایا⁶⁴ و الکساندرا کولونتای⁶⁵ و نیز نقش حساسی که زنان کارگر در جریان انقلاب در پتروگراد ۱۹۱۷ بر عهده داشتند.

دستاوردهای انقلاب

پیروزی بلشویک‌ها در اکتبر ۱۹۱۷، با موجی از حرکت‌های اصلاحی رادیکال در روزها و هفته‌ها و ماه‌های بعدی همراه بود. دولت جدید اعلام کرد که قصد دارد روسیه را بی‌درنگ از جنگ خارج کند. مصادره‌ی زمین‌ها از سوی دهقانان و نیز تصرف و کنترل کارخانه‌ها از سوی کارگران قانونی اعلام شد. علاوه بر این، اعلام شد که مسئولان دولتی فقط به اندازه متوسط درآمد یک کارگر ماهر صنعتی می‌توانند حقوق دریافت کنند.

«مجازات اعدام» در ارتش لغو شد. (پیش‌تر مجازات اعدام در جرایم عمومی، بعد از «انقلاب فوریه» برچیده شده بود.) «آزادی مذهب» به رسمیت شناخته شد. (اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی قانونی علیه یهودیان پایان گرفت.) «دولت» و «نظام آموزشی» از «کلیسا» جدا شدند و خدمات آموزشی، رایگان شد و پس از آن، کارزاری عظیم علیه بی‌سوادی در روسیه آغاز شد. برای مطالعه کارزار بزرگ سوادآموزی در روسیه، می‌توانید به مقاله‌ی «مگان بهرنت»⁶⁶ با عنوان «آموزش، سوادآموزی و انقلاب روسیه»⁶⁷ شماره‌ی ۸۲ نشریه‌ی *ISR* (مارس و آوریل ۲۰۱۲)، مراجعه کنید.

تمامی ضوابط و مقررات پیشین که به سرکوب زنان می‌انجامید برچیده شدند. دستمزد برابر زنان با مردان قانونی شد. حق طلاق برای هر دو طرف به رسمیت شناخته شد. به این معنا که رابطه‌ی ازدواج می‌تواند به درخواست هر یک از دو طرف تمام شود. کودکانی که در خارج از روابط رسمی ازدواج به دنیا می‌آیند؛ از حقوق برابر با سایر

⁶¹ [Midwives of Revolution: Female Bolsheviks and Women Workers in 1917](#)

⁶² Jane McDermid

⁶³ Anna Hillyar

⁶⁴ Nadezhda Krupskaya (1869-1939)

⁶⁵ Alexandra Kollontai (1872-1952)

⁶⁶ Megan Behrent

⁶⁷ [Education, Literacy, and the Russian Revolution, in ISR 82, March-April, 2012](#)

کودکان برخوردار شدند. تمامی قوانین محدودکننده‌ی سقط جنین هم لغو شد. مراکزی با بودجه دولتی به‌منظور مراقبت از زنان در دوره‌ی بارداری و خدمات پرستاری رایگان تأسیس شدند. علاوه بر این، واحدهایی نیز با نام «اداره زنان» در سراسر کشور تشکیل شد که هدفشان گردهمایی زنان در کنار یکدیگر به‌منظور ایفای نقشی فعال‌تر برای تغییر در جامعه بود. برای مطالعه مسائل فرهنگی، می‌توانید به بخش اول از جُنگ «رویا‌های بلشویک، مرحله‌ی اول انقلاب فرهنگی در روسیه شورایی»⁶⁸ مراجعه کنید. این مجموعه به کوشش «ویلیام روزنبرگ»⁶⁹ تهیه شده است. در این مجموعه، یادداشت‌هایی از کولونتای، تروتسکی و افراد دیگری که در جریان انقلاب شرکت داشته‌اند با نام «فرهنگ جامعه‌ی نوین: اقلیت‌ها، جنسیت، خانواده، قانون و مسئله‌ی سنت»⁷⁰ گردآوری شده است. برای مطالعه بیشتر در حوزه مسائل فرهنگی، این کتاب‌ها نیز توصیه می‌شود: «زنان، دولت و انقلاب: سیاست خانواده دولت شورایی و زندگی اجتماعی»⁷¹ (۱۹۳۶-۱۹۱۷) اثر «وندی گولدمن»⁷² و نیز کتاب «پدر و رفیق: جنسیت و سیاست در روسیه‌ی انقلابی»⁷³ نوشته‌ی «الیزابت ای وود»⁷⁴ (چاپ نخست: ۲۰۰۰).

پس از پیروزی بلشویک‌ها، تمامی مواد قانونی که موضوع آن‌ها روابط جنسی افراد بود از متن قانون مجازات روسیه حذف شد. از ۱۹۲۳ «رابطه‌ی همجنس‌گرایانه» دیگر «جرم» محسوب نمی‌شد. دکتر گریگوری بت‌کیس⁷⁵، «مدیر انستیتو سلامت جنسی مسکو»⁷⁶، رویکرد جدید دولت شوروی را چنین توصیف می‌کند:

«تا هنگامی که پای حقوق و مصالح شخصی افراد در میان نباشد، رژیم حقوقی شوروی، سیاست عدم‌دخالته مطلق «دولت» و «جامعه» را در مسائل جنسی افراد اعلام می‌کند. همجنس‌گرایی، «لواط» و سایر انواع لذت‌های جنسی که در کشورهای اروپایی به‌مثابه جرمی مغایر با «اخلاق عمومی» تلقی می‌شدند؛ در مقررات جدید شوروی، صرفاً یک رابطه‌ی جنسی «طبیعی» تلقی می‌شود.»

پژوهش‌های دن هیلی⁷⁷ درباره جریبه‌ی مردان و زنان همجنس‌گرای روسیه در پیش از انقلاب و پس از آن است. او نتیجه‌ی پژوهش‌های خود را در کتابی با عنوان «گرایش‌های همجنس‌گرایانه در روسیه‌ی انقلابی»⁷⁸ (چاپ اول: ۲۰۰۱) منتشر کرده است.

⁶⁸ [Bolshevik Visions: First Phase of the Cultural Revolution in Soviet Russia](#)

⁶⁹ William G. Rosenberg

⁷⁰ [The Culture of a New Society: Ethics, Gender, the Family, Law, and Problems of Tradition](#)

⁷¹ [Women, the State and Revolution: Soviet Family Policy and Social Life, 1917–1936](#)

⁷² Wendy Goldman

⁷³ [The Baba and the Comrade: Gender and Politics in Revolutionary Russia](#)

⁷⁴ [Elizabeth A. Wood](#)

⁷⁵ Dr. Grigory Batkis

⁷⁶ Moscow Institute for Sexual Hygiene

⁷⁷ Dan Healey

⁷⁸ [Homosexual Desire in Revolutionary Russia](#)

تکاپوی جامعه‌ی نوین، خود را در افزایش چشمگیر فعالیت‌های فرهنگی نشان می‌داد و تلاش‌های هنری در حوزه‌های هنرهای تجسمی، نمایش‌نامه‌نویسی، فیلم‌سازی و ادبیات به ثمر نشست. جنبه‌هایی از این شکوفایی هنری را می‌توان در آثار «ویکتور سرژ»⁷⁹ پی گرفت. سرژ یک آناشویست-سندیکالیست بلژیکی بود. او پس از «انقلاب اکتبر»، خیلی زود به بلشویک‌ها پیوست. یکی از آثار برجسته او، کتاب است با نام «سال اول انقلاب روسیه»،⁸⁰ که برای اولین بار در ۱۹۳۰ منتشر شد. او در این کتاب، روایتی دقیق از دوازده ماه اول «انقلاب اکتبر» ارائه داده است.

عطش و اشتیاق جمعی برای کسب دانش، در سراسر کشور به تأسیس مدرسه‌های جدید، دوره‌های آموزشی مخصوص بزرگسالان، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های کارگری انجامید. طرح‌ها و برنامه‌های جدید بی‌شماری ارائه شدند که راه را برای آموزش در رشته‌های کاملاً ناشناخته و نوین باز می‌کردند. در این دوران، موزه‌ها نیز به‌واسطه‌ی مصادره‌ی مجموعه‌های خصوصی غنی شدند و از این دارایی‌های هنری سلب مالکیت‌شده به‌دقت نگهداری و حفاظت می‌شد؛ به‌گونه‌ای که هیچ اثری، با هر میزان ارزش، از دست نرفت یا گم نشد.

بخش دوم جنگ «رویا‌های بولشویک»، به کوشش ویلیام جی روزنبرگ⁸¹، که پیش‌تر هم به آن اشاره شد؛ «شکل‌دهی اشکال هنری شوروی»⁸² نام دارد. این مجموعه بیشتر بر هنر، معماری، موسیقی، فیلم و آنچه «وظایف جدید آموزش» نام گرفته است، تمرکز دارد. برای مطالعه‌ی این حوزه‌ها - در انقلاب اکتبر -، می‌توانید به کتاب «ابوت تام گلیسون»⁸³، با عنوان «فرهنگ بلشویک: آزمون و سفارش در انقلاب روسیه»⁸⁴ مراجعه کنید. علاوه بر این‌ها، برای آشنایی با نمونه‌هایی از هنر روسیه، کتاب «انقلاب: هنر روسیه از ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۲»، اثر مشترک «جان میلنر»⁸⁵ و جمعی از نویسندگان دیگر در سال ۲۰۱۷ چاپ شد که همراه با نمایشگاهی یک‌ساله در بریتانیا عرضه شد. (چاپ اول: آوریل ۲۰۱۷) همچنین مجموعه‌ی تصویری بسیار ارزشمندی نیز با نام «پوسترهای انقلابی روسیه: از جنگ داخلی تا رئالیسم سوسیالیستی، از بولشویسم تا پایان استالینسیم»⁸⁶ (چاپ اول: ۲۰۱۲)، به چاپ رسیده که از سوی «دیوید کینگ»⁸⁷ گردآوری شده است.

⁷⁹ Victor Serge

⁸⁰ [Year One of the Russian Revolution](#)

⁸¹ [William G. Rosenberg](#)

⁸² [Creating Soviet Cultural Forms](#)

⁸³ Abbott Gleason (1938-2015)

⁸⁴ [Bolshevik Culture: Experiment and Order in the Russian Revolution](#)

⁸⁵ John Milner

⁸⁶ [Russian Revolutionary Posters: From Civil War to Socialist Realism, From Bolshevism to the End of Stalinism](#)

⁸⁷ David King

امپراتوری روسیه را می‌توان به عمارتی بزرگ تشبیه کرد که ملت‌های بسیاری را در خود جا داده بود. لنین در سلسله یادداشت‌هایی که هنگام جنگ جهانی اول و نیز پیش از آن نوشت به «مسئله‌ی ملی» پرداخت. از جمله این متن‌ها می‌توان به «تزهایی درباره مسئله ملی»⁸⁸ (1913)، «ملاحظات انتقادی درباره مسئله ملی»⁸⁹ (1913)، «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها»⁹⁰ (1914)، «پرولتاریای انقلابی و حق ملت‌ها به تعیین سرنوشت»⁹¹ (1915) اشاره کرد. لنین در این یادداشت‌ها، بر این نکته تأکید می‌کند که در «کشورهای سلطه»⁹²، سوسیالیست‌ها باید بدون هیچ لکنتی از «حق تعیین سرنوشت» ملت‌های تحت ستم دفاع کنند؛ در حالی که در چهارچوب ملت‌هایی که خودشان زیر سلطه‌اند⁹³، سوسیالیست‌ها باید از ضرورت همبستگی‌های بین‌المللی طبقه‌ی کارگر صحبت کنند.

پس از «انقلاب اکتبر»، این اصول در عمل در دستور کار قرار گرفت. امپراتوری قدیمی روسیه جای خود را به «اتحاد جمهوری‌های سوسیالیستی شورایی» داد و ملت‌های تشکیل‌دهنده آن هم از «حق تعیین سرنوشت» برخوردار شدند. در همین راستا، تلاش‌هایی ویژه در راستای پیروزی و رهایی ملت‌های زیرسلطه انجام گرفت. در پیوند با مسئله‌ی ملی، به طور مشخص دو جلد از کتاب‌ها «جان ریدل»⁹⁴ پیشنهاد می‌شود. کتاب اول، با عنوان «برای دین سپیددم: باکو، ۱۹۲۰ کنگره‌ی اول خلق‌های شرق»⁹⁵ (چاپ اول: ۱۹۹۳) است و کتاب دوم نیز در واقع مجموعه‌ای است با عنوان «کارگران جهان، خلق‌های زیر ستم، متحد شوید! شرح مذاکرات و اسناد کنگره‌ی بین‌الملل دوم، 1920».⁹⁶ برای مطالعه‌ی بیشتر درباره «مسئله‌ی ملی»، کتاب «جرمی اسمیث»⁹⁷، با عنوان «بولشویک‌ها و مسئله‌ی ملی»⁹⁸ (چاپ اول: ۱۹۹۹) نیز راهنمایی کاربردی است. همچنین می‌توانید به مقاله‌ای از «اریک بلان»⁹⁹، با عنوان «مارکسیسم ضد/امپریالیسم»¹⁰⁰ در شماره‌ی ۱۰۰ نشریه‌ی ISR (بهار ۲۰۱۶) مراجعه کنید.

⁸⁸ [Theses on the National Question](#)

⁸⁹ [Critical Remarks on the National Question](#)

⁹⁰ [The Right of Nations to Self-Determination](#)

⁹¹ [The Revolutionary Proletariat and the Right of Nations to Self-Determination](#)

⁹² Dominant Countries

⁹³ Oppressed Nations

⁹⁴ John Riddell

⁹⁵ [See the Dawn: Baku, 1920—First Congress of the Peoples of the East](#)

⁹⁶ [Workers of the World and Oppressed Peoples, Unite! Proceedings and Documents of the Second Congress of the Communist International, 1920](#)

⁹⁷ Jeremy Smith

⁹⁸ [The Bolsheviks and the National Question](#)

⁹⁹ Eric Blanc

¹⁰⁰ [Anti-Imperial Marxism](#)

انقلاب چگونه از دست رفت؟

دستاورد های ماه ها و سال های نخست «انقلاب اکتبر» بسیار چشمگیر هستند. با این حال، دولت بلشویکی خیلی زود با انبوهی از مشکلات و مسائل جدی روبه‌رو شد. به‌رغم آن‌که بخش صنعتی روسیه پیشرفته بود؛ اما در واقع روسیه به لحاظ اقتصادی، کشوری عقب‌مانده محسوب می‌شد که در آن سال‌ها، به دلیل ناآرامی‌ها و ویرانی‌های جنگ، شرایطی نابسامان‌تر از پیش داشت. پیش از آغاز تابستان ۱۹۱۸ اپیدمی «وبا» پتروگراد را فراگرفت. در تمامی کشور مردم با کمبود شدید مواد غذایی دست و پنجه نرم می‌کردند. لنین در ۳۰ اوت ۱۹۱۸ در جریان یک ترور ناموفق به شدت زخمی شد. تنها کمی بعد از این رخدادها، کشور با هجوم بسیاری از قدرت‌های اصلی سرمایه‌داری، از جمله ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه روبه‌رو شد. این کشورها، به شکلی گسترده از «ارتش سفید»¹⁰¹ حمایت می‌کردند. نیرویی که به طبقه‌ی حاکم مخلوع روسیه وابسته بود و روسیه را وارد جنگ تمام‌عیار داخلی کرد. جنگ و درگیری‌هایی که به نابودی گسترده کشور انجامید.

جلد سوم زندگی‌نامه‌ی لنین، نوشته‌ی «تونی کلیف»¹⁰² با عنوان «انقلاب محاصر شده»¹⁰³، بهترین کتابی است که در توصیف این دوران نوشته شده است؛ (چاپ اول: ۲۰۱۲) نویسنده این کتاب، در جلد دوم زندگی‌نامه‌ی تروتسکی، با نام «تروتسکی، شمشیر انقلاب»¹⁰⁴ همین دوران را مرور می‌کند؛ هرچند کوتاه‌تر و شرح و بسطی کمتر. (چاپ اول: ۱۹۹۰) در کتاب اول، یعنی «انقلاب محاصر شده»، خواننده می‌تواند به درکی روشنی از وضعیت غیرقابل‌تصور که بلشویک‌ها در آن هنگام گرفتار شده بودند، می‌رسد. به بیانی دقیق‌تر، چگونه «شرایط مادی»، «جنگ» و «فروپاشی اقتصادی»، به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، انقلاب را در ساخت جامعه‌ای ناکام گذاشت که می‌خواست بر اساس ایده‌ی «نظارت و کنترل کارگران» شکل بگیرد.

کتاب «پیروزی سرخ: تاریخ جنگ داخلی روسیه»¹⁰⁵، نوشته‌ی «بروس لینکلن»¹⁰⁶، یک تاریخ‌نگاری متعارف و مرسوم قلمداد می‌شود. هر چند باید اعتراف کرد که خصومت آشکار نویسنده با «انقلاب»، به کار یا تلاش پژوهشی او ضربه زده است. برای نمونه، نویسنده در نخستین جمله، در وصف ماه‌های فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷، این دوران را یک «عیاشی زیادی‌خواهانه‌ی پرولتاریایی» نامیده است. به منظور مطالعه‌ی روایتی که خود تروتسکی

¹⁰¹ «ارتش سفید» (The White armies) در واقع اتحادی از نیروهای نظامی ضدکمونیزست بود. این نیروها، در جریان جنگ داخلی، عملیات‌های پرشماری را چه در داخل و چه در خارج از مرزهای روسیه علیه دولت بلشویکی ترتیب دادند. چنین برآورد می‌شود که در جریان جنگ داخلی روسیه دو میلیون نفر کشته شده باشند. (مترجم)

¹⁰² Tony Cliff(1917-2000)

¹⁰³ [Revolution Besieged: Lenin 1917–1923](#)

¹⁰⁴ [Trotsky: The Sword of the Revolution 1917–1923](#)

¹⁰⁵ [Red Victory: A History of the Russian Civil War](#)

¹⁰⁶ W. Bruce Lincoln(1938-2000)

از چگونگی سازمان‌دهی «ارتش سرخ» تا رهبری ارتش تا مرحله‌ی پیروزی ارائه داده است؛ نگاه کنید به مجموعه‌ای با عنوان «نوشته‌های نظامی تروتسکی»¹⁰⁷ که نخستین بار در ۱۹۶۹ منتشر شد.

برخی روایت‌ها از شاهدان عینی آن دوران نیز در دسترس قرار گرفته که نشان می‌دهد روسیه در آن سال‌ها با چه مشکلاتی روبه‌رو بوده است. «آرتور رنسام»¹⁰⁸، روزنامه‌نگاری بریتانیایی بود که با منشی شخصی تروتسکی ازدواج کرده بود. او بعدها به‌عنوان «نویسنده‌ی کتاب کودک» مشهور شد. هر دو کتاب رنسام با نام‌های «روسیه در ۱۹۱۹»¹⁰⁹ و «بحران در روسیه»¹¹⁰ (۱۹۲۰) در ۱۹۹۲ توسط انتشارات «ردوردز»¹¹¹ تجدیدچاپ شدند. هم‌اکنون نسخه‌های آنلاین این کتاب‌ها به راحتی در فضای اینترنت قابل دسترسی است. (مترجم: برای بارگذاری این دو کتاب به پانویس‌های شماره‌ی ۱۱۰ و ۱۱۱ مراجعه کنید.) برخی از مقاله‌های «ویکتور سرژ»¹¹² درباره همین دوران، در مجموعه‌ای با نام «انقلاب در خطر، یادداشت‌هایی از روسیه ۱۹۲۱-۱۹۱۹» گرد آمده است. «آلفرد رزمر»¹¹³ سندیکالیستی فرانسوی بود که پس از «انقلاب اکتبر» به جنبش کمونیستی پیوست. او در اوائل دهه‌ی ۱۹۲۰ مرتب به شوروی سفر می‌کرد و مجموعه‌ای از خاطرات خود را در کتابی با نام «مسکوی لنین»¹¹⁴، در دهه‌ی ۱۹۵۰، منتشر کرده است.

از همان ابتدا، هم برای لنین و هم برای تروتسکی، روشن بود که «انقلاب» برای زنده ماندن نیازمند پشتیبانی خارجی است. درباره‌ی این موضوع، لنین در مارس ۱۹۱۹ گفته بود: «حقیقت مطلق این است که بدون شکل‌گیری یک انقلاب در آلمان، ما نابود خواهیم شد.» آلمانی‌ها، «انقلاب فوریه» خود را در مارس ۱۹۱۸ تجربه کردند. انقلابی که به سقوط پادشاهی پروس و پایان جنگ جهانی اول انجامید. اما با این حال، و به‌رغم چند سال بی‌ثباتی سیاسی، رخدادی همتای «انقلاب اکتبر» در آلمان تکرار نشد. در سایر کشورها نیز به‌رغم آن‌که «انقلاب اکتبر» الهام‌بخش پیکارها، اشغال کارخانه‌ها و حتی تشکیل «شوراهای کارگری» بود؛ اما در نهایت به یک انقلاب موفق طبقه‌ی کارگر نیانجامید.

در خود روسیه، «ارتش سرخ» به رهبری تروتسکی، در نهایت موفق شد که ضدانقلاب را شکست دهد. اما تنها پس از پرداخت هزینه‌های انسانی و مادی هنگفت. کمبود مواد غذایی به کوچ جمع‌ی از شهرنشین‌ها به روستاها منجر شد و شمار کارگران در مناطق شهری از سه میلیون نفر، به یک میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر کاهش یافت. هزاران تن از وفادارترین مبارزان طبقه‌ی کارگر جان خود را در جریان جنگ‌های داخلی از دست دادند. ترکیبی

¹⁰⁷ [Trotsky's Military Writings](#)

¹⁰⁸ Arthur Ransome (1884-1967)

¹⁰⁹ [Russia in 1919](#)

¹¹⁰ [The Crisis in Russia](#)

¹¹¹ Redwords

¹¹² Victor Serge (1890-1947)

¹¹³ Alfred Rosmer (1877-1964)

¹¹⁴ [Lenin's Moscow](#)

از انزوا و محاصره‌ی بین‌المللی، کمبودها و فروپاشی طبقه‌ی کارگر روسیه، دستاوردهای «انقلاب اکتبر» را با خطر مواجه کرد. در «انقلاب و ضد انقلاب»¹¹⁵، نوشته‌ی «کوین مورفی»¹¹⁶ نویسنده نشان می‌دهد که تا اواخر سال ۱۹۲۷، هنوز در برخی از مناطق کشور، کارگران نظارت و کنترل چشمگیری بر روند تولید کارخانه‌ها داشتند. اما در بسیاری مناطق دیگر، «قدرت کارگران»، از خیلی پیش‌تر فقط به شعاری انتزاعی و توخالی تبدیل شده بود. سطح بحث‌های داخلی «شوراها» نیز بیش‌تر به گپ‌ها و صحبت‌های خواروبارفروشی‌ها شبیه بود.

در شرایط وخیم جنگ داخلی و در دوران بعد از آن، بلشویک‌ها به این ارزیابی رسیدند که به ناچار باید فعالیت آن دسته از احزاب سیاسی که از انقلاب انتقاد کرده‌اند و نیز برخی دیگر که آشکارا از ضدانقلاب حمایت می‌کنند را غیرقانونی اعلام کنند. هر چند قدرت‌های سرمایه‌داری غربی قادر نبودند که دولت کارگری روسیه را درهم بشکنند؛ اما شرایط را برای فروپاشی درونی آن ایجاد کردند. شرایطی که خودش را در تنش‌های حاد و گاهی نیز «خشونت‌آمیز» میان طبقه‌ی کارگر و دهقانان روسیه نشان داد.

همزمان با از بین رفتن شوراهای دموکراتیک؛ حزب کمونیست هم زیر کنترل بروکراسی جمعی «کارمندان تمام‌وقت» و فرصت‌طلب‌ها (اپورتونیست‌ها) از میان رفت. شخص استالین که هیچ نقش مهمی در جریان «انقلاب اکتبر» نداشت؛ خودش را تا سمت «دبیرکلی حزب» بالا کشید. موشه لوین¹¹⁷ در «واپسین نبرد لنین»¹¹⁸ نشان می‌دهد که لنین چگونه در ماه‌های واپسین زندگی سیاسی‌اش در برابر دیوان‌سالاری روزافزون انقلاب مبارزه کرده است. در این راستا می‌توان به متنی که لنین در حمایت از جایگزینی استالین با شخصی دیگر - در مقام دبیرکلی حزب، نوشته بود، اشاره کرد.

در سال ۱۹۲۲، لنین چند بار سکنه کرد. او در اوایل سال ۱۹۲۳ به لحاظ فیزیکی دیگر ناتوان شده بود و تلاش‌ها برای کنار گذاشتن استالین نیز ناکام ماند. حتی قبل از مرگ لنین، در ژانویه ۱۹۲۴، «حزب کمونیست»، ماهیت بسیار متفاوتی در مقایسه با تشکیلات کارگری ۱۹۱۷ پیدا کرده بود.

در طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۲۰، استالین توانست رقبای سیاسی خود را از پای درآورد. تا سال ۱۹۲۸ او دیگر به حاکمی مطلق تبدیل شده بود. واپسین دستاوردهای انقلاب از میان رفت و آن دسته از اعضای بلشویک «گارد قدیم»¹¹⁹ هم که هنوز زنده بودند؛ همگی حذف فیزیکی شدند. بر گرده‌های طبقه‌ی کارگر روسیه و دهقانان این کشور، روسیه صنعتی شد؛ اما در این میان میلیون‌ها انسان هم جان خود را از دست دادند. رودی از خون، میان دیکتاتوری استالین و سال‌های اول «انقلاب اکتبر» فاصله انداخت. همین ثابت می‌کند که ظهور استالین را باید

¹¹⁵ [Revolution and Counterrevolution: Class Struggle in a Moscow Metal Factory](#)

¹¹⁶ Kevin Murphy

¹¹⁷ Moshe Lewin (1921-2010)

¹¹⁸ [Lenin's Last Struggle](#)

¹¹⁹ *Old Bolshevik Guard*

بهمتابه پیروزی ضدانقلاب دانست و نه در تداوم انقلاب بلشویک‌ها. همان طور که «ویکتور سرژ»¹²⁰ نیز در کتاب خود «از لنین تا استالین»¹²¹ این مسئله را بررسی کرده است.

«کریس هارمن»¹²² در مقاله‌ای در سال ۱۹۶۷ با عنوان «روسیه: انقلاب چگونه از دست رفت؟»¹²³، طرحی کلی از عوامل اساسی شکست نهایی «انقلاب اکتبر» ارائه می‌کند. این یادداشت، در مجموعه یادداشت‌هایی با عنوان «روسیه: از دولت کارگری تا سرمایه‌داری دولتی»¹²⁴، همراه با چند نوشته‌ی دیگر از «آنتونی آرنو»¹²⁵ و دیگران دوباره چاپ شده است. نیل فالکنر¹²⁶ نیز در جلد سوم «تاریخ مردمی انقلاب روسیه» به این عوامل اشاره کرده است.

هم هارمن و هم فالکنر از تحلیل مادی و مارکسیستی تروتسکی درباره‌ی «ظهور بروکراسی استالینیستی» در کتاب «انقلابی که به آن خیانت شد»¹²⁷ (چاپ اول: ۱۹۳۶) بهره برده‌اند. با این حال، هر دو آن‌ها با این ادعای تروتسکی که شوروی دهه‌ی ۱۹۳۰، هنوز آشکالی از «دولت کارگری» را در خود حفظ کرده بود مخالف هستند. در برابر چنین برداشتی، هر دوی آن‌ها به این نظر تأکید داشتند که «بوروکراسی در شوروی» خودش را به «طبقه‌ی حاکم» جدیدی بدل کرده است.

آیا شکست «انقلاب اکتبر» اجتناب‌ناپذیر بود؟ از نظر من این گونه نبود. ولی می‌خواهم کلام پایانی را به سرژ واگذار کنم:

«معمولاً این طور می‌گویند که نطفه‌ی تمامی «استالینیزم» از همان ابتدا در خود بلشویسم بوده است. بسیار خُب؛ مخالفتی ندارم. اما بلشویسم حامل نطفه‌های دیگری نیز بوده است! در واقع توده‌ای است از سایر نطفه‌ها. آنانی که آن شور و شوق سال‌های نخستین انقلاب پیروزمند سوسیالیستی را زیسته‌اند؛ نباید. این کار مانند این است که برای داورِ درباره‌ی انسانی زنده، به سراغ عوامل مرگ او برویم. عواملی که از بدو تولد در بدن او بوده است و اکنون - کالبدشکافی جسد او را برابر چشمان ما قرار داده است. آیا -چنین کاری- خردمندانه است؟»

¹²⁰ Victor Serge (1890-1947)

¹²¹ *From Lenin to Stalin*

¹²² Chris Harman (1942-2009)

¹²³ *Russia: How the Revolution was Lost*

¹²⁴ [Russia: From Worker's State to State Capitalism](#)

¹²⁵ Anthony Arno

¹²⁶ Neil Faulkner

¹²⁷ [The Revolution Betrayed](#)

پنج منبع اصلی برای مطالعه

در این بررسی، به منابع زیادی ارجاع داده شد. همه کتاب‌ها و مقاله‌های یادشده راهگشا هستند؛ اما پنج کتاب اصلی که توصیه می‌کنم از این قرار است:

۱- تاریخ انقلاب روسیه، لئون تروتسکی

۲- ده روزی که جهان را لرزاند، جان رید

۳- سال اول انقلاب روسیه، ویکتور سرژ

۴- بلشویک‌ها به قدرت می‌رسند، الکساندر رابینوویچ

۵- تاریخ مردمی انقلاب روسیه، نیل فالکنر

- این متن در آذرماه ۱۳۹۷ در وبسایت [«نقد»](#) منتشر شده است.
- برای دسترسی به متن اصلی مقاله می‌توانید به شماره‌ی ۱۰۵ [International Socialist Review](#) (تابستان ۲۰۱۷)، در این [آدرس](#) مراجعه کنید.